

بررسی جنایات علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰

امین امانی بآبادی^۱

چکیده

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲

جنایت علیه بشریت در برهه‌های مختلف زمانی و در اسناد متعدد بین‌المللی تعریف و توصیف گردیده است. با توجه به روند تحولات صورت پذیرفته، امروزه این واژه در مفهوم مدرن آن، شامل حمله‌ای گسترده و سازمان یافته با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیر نظامی می‌باشد که با علم به آن و به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی و روحی صورت می‌پذیرد. در این نوشتار تلاش بر آن است که به موضوع جنایت علیه بشریت و بررسی مفهوم آن قبل از تاسیس سازمان ملل متحد و پس از تشکیل این سازمان جهانی و همچنین تحولات این واژه در اساسنامه دادگاه‌های موقت *ad hoc* از جمله دادگاه نورمبرگ و توکیو و پس از آن در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا پرداخته شود. بررسی مفهوم این واژه، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی **Icc** و تحلیل عنصر قانونی این جنایت بر طبق مفاد این اساسنامه نیز از نظر دور نمی‌ماند. در پایان عناصر مادی یازده گانه مندرج در ماده هفتم این سند، مورد تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جنایت علیه بشریت، حمله گسترده، حمله سازمان یافته، جمعیت غیر نظامی، دیوان کیفری بین‌المللی

اگرچه واژه جنایات علیه بشریت^۱ به طور پراکنده در طول قرن‌ها مورد استفاده حاکمیت‌ها قرار گرفته است، ولی در قالب کنونی آن اولین بار در سال ۱۹۱۵ به کار رفته است. به نحوی که در این سال، سه قدرت بزرگ جهان شامل انگلیس، فرانسه و روسیه در اعلامیه مشترکی قتل عام صورت پذیرفته نسبت به آرامنه ترکیه را جنایت علیه بشریت و تمدن شناسایی نموده و مرتکبان آن را دارای مسئولیت معرفی می‌نمایند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۳۶). قبل از این سند واژه جنایات علیه بشریت در اسناد دیگری نیز ذکر شده است و بر طبق این مقررات به محدودیت طرف‌های جنگ در انتخاب ابزار و شیوه‌های جنگ اشاره می‌شود. لذا تفکیک دقیقی میان جرایم علیه بشریت و جرائم جنگی صورت نمی‌دهد به نحوی که بر طبق ماده ۲۲ کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ اینگونه پیش‌بینی می‌شود که «نظامیان و جمعیت غیرنظامی زیر نظر حاکمیت اصول حقوق بین‌الملل قرار دارند اصولی که ناشی از عرف رایج ملل متمدن، قوانین بشریت و الزامات وجود آن جمعی هستند و حقوق جنگجویان برای استفاده از روش‌های صدمه رساندن به دشمن نا محدود نیست.» (روشندل، ۱۳۹۵: ۲۰). پس از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ کنوانسیون صلح ورسای منعقد می‌شود که در آن علی‌رغم بیان نشدن واژه جرائم علیه بشریت در گزارش کمیسیون ۱۹۱۹ به کرات به کلماتی از قبیل جرائم علیه قوانین بشری، نقض قوانین علیه بشریت، قوانین بشری استفاده می‌گردد و به موجب این صلح‌نامه دولت آلمان متعهد می‌شود که خودش به محاکمه ۸۹۵ نفر از کسانی که مرتکب جنایات جنگی شده‌اند اقدام نماید صرف نظر از اینکه این محاکمات هیچ‌گاه به صورت عادلانه انجام نشد و بسیاری از افراد بدون دلیل از مجازات قانونی بری می‌گردند.

با تأسیس جامع ملل بعد از جنگ جهانی اول این سازمان تلاش‌هایی را در جهت حمایت از حقوق بشر انجام داد، یکی از این تلاش‌ها انعقاد کنوانسیون منع بردگی در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ بود، این کنوانسیون از این نظر اهمیت داشت که بعدها ((به بردگی گرفتن)) به عنوان یکی از مصادیق جرائم ضد بشری به رسمیت شناخته شد و در این سالها جامعه ملل تلاش‌هایی را جهت تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی می‌نماید و علی‌رغم اینکه در اغلب اجلاس‌های کاری جامعه ملل مورد بحث قرار گرفت، نتیجه عملی از آن حاصل نگردید (مهرداد بوستان چی، ۱۳۹۶: ۲۳).

۱- جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه نورمبرگ

پس از اتمام جنگ جهانی دوم در اوت ۱۹۴۵ به موجب بیانیه کنفرانس لندن نمایندگان چهار کشور به صورت متفق در مورد تشکیل دادگاه بین‌المللی نورمبرگ به توافق رسیدند که این جنایات مسئولیت کیفری فردی برای مرتکب جرم به بار می‌آورد. تنظیم‌کنندگان منشور نورمبرگ ناچار به دست و پنجه نرم کردن با اصل عدم مداخله بودند که مقرر می‌داشت که حقوق بین‌الملل در مورد رویدادهایی که در داخل مرزهای یک کشور رخ می‌دهد قابل اعتماد نیست، به بیان دیگر حقوق بین‌الملل تنها در مقابل رویدادهایی قابل اعمال بود که در جریان حادثه‌ای بین‌المللی همچون درگیری مسلحانه رخ می‌دادند، این به آن معنا بود که یک دادگاه بین‌المللی نمی‌توانست جنایاتی را مجازات کند که نازی‌ها پیش از درگرفتن جنگ در حق مردم خویش مرتکب شده بودند، منشور نورمبرگ راه‌گشای مطرح ساختن طبقه جدیدی از جرائم بین‌المللی بود که به موجب حقوق بین‌الملل قابل مجازات بودند (کریفیتس، ۱۳۹۰: ۲۳). منشور نورمبرگ که مجموعاً به تصویب ۲۳ کشور رسید شامل چهار هیأت دادستانی در معیت دادگاهی مرکب از چهار قاضی بوده است که از طرف چهار دولت بزرگ متفق هر کدام یک قاضی و یک هیأت دادستانی معرفی شده بودند و

^۱ Crimes against humanity

صلاحیت آن شامل رسیدگی به جنایات جنگی، توطئه و جنایت علیه صلح و جنایات علیه بشریت ارتكابی از سوی سران دولت‌های آلمان و ایتالیا می‌باشد (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۵۳). دادگاه نورمبرگ در ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ به صورت رسمی کار خود را شروع و از جمله به محاکمه ۲۴ نفر از سران ارتش و حزب نازی به عنوان بلند پایه ترین صاحب منصبان جنگ پرداخت و قبل از تشکیل این دادگاه هیتلر و دو تن از معاونان بالا رتبه ایشان (هینلدنر گوبلز) خودکشی می‌کنند و جمعاً ۴۰۳ جلسه تشکیل داده و اظهارات ۱۱۶ شاهد را اخذ و ۳۰۰۰۰۰۰ سند و مدرک را مورد بررسی قرار می‌دهد و دادگاه نورمبرگ در اول اکتبر ۱۹۴۶ به کار خود پایان می‌دهد (آرکادی، ۱۳۷: ۲۰). علی‌رغم اینکه این دادگاه تنها به محاکمه تعداد اندکی از مرتکبان نقض جرائم علیه بشریت پرداخت، این دادگاه نقطه عطفی در تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود چرا که توانست بسیاری از قواعد بین‌المللی در خصوص مصونیت سران دولتها، توجیه اجرای دستور مافوق، فقدان مسئولیت فردی در حقوق بین‌الملل، اصل درون مرزی بودن حقوق کیفری و بسیاری از اصول حقوقی دیگر را در سطح بین‌المللی نهادینه و متحول نماید به نحوی که اصول محاکمات این دادگاه علاوه بر تأثیر خود در محاکمات دادگاه توکیو برای محاکمه جنایتکاران بین‌المللی در جبهه خاور دور در دادگاههای دیگر از جمله دادگاه یوگسلاوی سابق^۱ و رواندا^۲ و دیوان کیفری بین‌المللی^۳ اثرگذار بوده است. نکته پایانی در این خصوص، توجه به نوع رأی صادره می‌باشد با این توضیح که اگرچه دادگاه کیفری نورمبرگ بر اساس تصمیم چهار کشور پیروز در جنگ تأسیس شد، ولی این امر چیزی از جنبه بین‌المللی آن نمی‌کاهد، چرا که تصمیم این چهار کشور متعاقب الحاق ۱۹ کشور دیگر به آن باعث گردید که رأی دادگاه نورمبرگ به نام جامعه جهانی صادر شود (علی‌آبادی، ۱۳۵۴: ۹۵).

۲- جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه توکیو

به موجب ماده ۵ منشور نورمبرگ که زمینه را جهت ایجاد محاکم مشابه فراهم می‌نمود، چهار کشور پیروز در جنگ جهانی دوم به عنوان متفقین پس از برپایی دادگاه نورمبرگ در جبهه اروپایی اقدام به برپایی مقدمات تشکیل دادگاه دوم در جبهه خاور دور در کشور ژاپن نمودند به نحوی که در اجرای این موضوع با صدور اعلامیه ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ ژنرال داگلاس مک‌آنور سرفرماندهی عالی متفقین، در خاور دور این دادگاه در توکیو تشکیل می‌شود (واحدی، ۱۳۸۹: ۸). اگرچه رویه محکمه نورمبرگ بسیار عادلانه تر از محکمه توکیو دانسته شده است و این موضوع کاملاً تحت نفوذ بودن محکمه توکیو بر جرائم علیه صلح و جرائم علیه بشریت بودند و هر دو بنابر استدلالهای مشابه این ایرادات را رد نمودند اما سیستم دادرسی دادگاه توکیو، مشابهت کاملی با دادگاه نورمبرگ داشت. (Alphons, ۱۹۹۸: ۱۴۵۷).

دادگاه توکیو بر خلاف محکم نورمبرگ به جرائم سران مهم ژاپن که در جبهه خاور دور مرتکب جنایات علیه صلح شده بودند رسیدگی می‌نمود و رسیدگی به دیگر اتهامات مطرح در مورد جنایتکاران ژاپنی یعنی جنایات جنگی و جنایات ضد بشریت به دادگاه کشورهای مختلف که به موجب قانون شماره ۱۰ شورای کنترلی تشکیل می‌شد، واگذار شد و لذا دادگاه توکیو فقط به جنایات علیه صلح رسیدگی می‌کرد (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۵۸). در مجموع تأثیر محاکمات نورمبرگ و توکیو به عنوان سنگ بنای حقوق کیفری بین‌الملل و در توسعه این رشته از حقوق بین‌الملل امر واضح و

^۱ International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY)

^۲ International Criminal Tribunal for the Rwanda (ICTR)

^۳ International Criminal Court (ICC)

^۴ communateunirerselle

روشنی به نظر می‌رسد به نحوی که اصول شکل گرفته در این محاکم در اسناد متعدد بعدی از جمله آراء دیوان بین‌المللی دادگستری، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، پیش نویس‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های همچون کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل زدایی ۱۹۴۸ و محاکم موقتی پس از آن، از جمله دیوان کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، مؤثر و اثربخش بوده است.

۳- جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^۱

از آنجایی که بر طبق فصل هفتم از منشور سازمان ملل متحد وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت قرار گرفته بود این شورا برای اولین بار با استفاده از این اختیار مندرج در ماده ۲۹ منشور دست به تشکیل یک مرجع قضایی کیفری می‌زند و با تصویب قطعنامه‌های ۸۰۸^۲ و ۸۲۷^۳ دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در شهر لاهه کشور هلند تأسیس می‌گردد.

این دادگاه پس از بروز جنایات وسیع در یوگسلاوی سابق در فاصله میان سالهای ۱۹۹۱ الی ۱۹۹۵ و جنگ صورت پذیرفته با هدف تصفیه قومی از سوی صرب‌ها بر علیه مردم بوسنی هرزگوین ارتکاب و انجام شد و در سه جبهه صرب‌ها، کروات‌ها و بوسنی هرزگوینی‌ها در جریان بود و عمده این جنایات توسط صرب‌ها صورت پذیرفت به نحوی که آغاز گر جنگ و کشتار مردم بوسنی هرزگوین، صرب‌ها بودند و بعداً به همراه آنها کروات‌ها و در مقابل مردم مسلمان بوسنی هرزگوین نیز جهت دفاع و به تلافی جنایات ارتكابی صرب‌ها و کروات‌ها، اقدامات مشابهی را انجام دادند به این ترتیب این دادگاه جهت رسیدگی به اتهامات هر سه گروه تشکیل می‌گردد (واحدی، ۱۳۸۹: ۹).

با کشته شدن حدود ۲۵۰ هزار نفر شهروند و مورد تجاوز قرار گرفتن بیش از ۲۰ هزار زن و آواره شدن حدود ۲ میلیون نفر در فاصله میان آن سالها، انتشار خبر این دیوان، اقدام بسیار محدودی بود که بیش از آنکه اراده جامعه بین‌المللی را در اتخاذ مواضع اصولی نشان دهد، ظاهراً حاکی از ناتوانی آن در انجام اقدامات بنیادی‌تر بوده است (گرین وود، ۱۳۸۴: ۳۶۲). نهایتاً این دیوان علی‌رغم ایرادات مطروحه از ناحیه متهمین مبنی بر غیرقانونی بودن تشکیل این دادگاه از جمله در پرونده تادیچ^۴ شعبه استیناف این دادگاه رأی بر قانونی بودن تشکیل این دادگاه بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد صادر کرد.

۴- جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا^۵

درگیری‌های داخلی رواندا که بر خلاف درگیری‌های یوگسلاوی سابق که جنبه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی داشت در اواخر سال ۱۹۹۰ و پس از آنکه حکومت از دست اقلیت توتسی^۶ به اکثریت هوتو^۷ واگذار و منتقل شد ایجاد گردید، به نحوی که دیکتاتور حاکم این کشور به هویت هایباریمانا^۸ و نیروهای شبه نظامی طرفدار ایشان به نام اینترهامو^۹ اقدام به انجام جنایات وسیع علیه اقلیت توتسی‌ها نمودند و این جنایات پس از سقوط هواپیمای رئیس‌جمهور در هنگام بازگشت از کنفرانس صلح در تانزانیا شدت گرفت و در همان مقطع چند ماهه ۸۰۰ هزار نفر به قتل

^۱ International Criminal Tribunal for the former yougoslavia (ICTY)

^۲ SC Res. ۸۸۸ (۱۹۹۳)، ۲۲ february ۱۹۹۳

^۳ SC Res. ۸۲۷، ۲۵ May ۱۹۹۳.

^۴ Tadic

^۵ International Criminal Tribunal for Rowanda (ICTR)

^۶ Tutsi

^۷ Hutu

^۸ Habyarimana

^۹ Interahamwe

رسیده و زنان و دختران در سطح وسیع مورد تجاوز و اذیت و آزار قرار گرفتند (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷: ۱۸۷). به لحاظ ناکامی نیروهای حفظ صلح سازمان ملل متحد و گستردگی این جنایات، شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۷ نوامبر ۱۹۹۴^۱ و به موجب صلاحیت خود بر طبق فصل هفتم این منشور، برای دومین بار اقدام به تأسیس یک دیوان بین‌المللی کیفری می‌نماید که این دیوان بر طبق اساسنامه خود دارای سه شعبه بدوی است و مرجع تجدیدنظر و دادستانی آن، همان است که برای دادگاه یوگسلاوی سابق تشکیل شده و این مراجع به صورت مشترک انجام وظیفه می‌نمایند و صلاحیت این دیوان شامل رسیدگی به جنایات نسل‌زدایی (ژنوساید)، جنایات علیه بشریت و موارد تخلف از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم به آن که مربوط به جنگ‌های داخلی است می‌باشد و در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۵ اولین کیفرخواست خود را علیه هشت متهم صادر و اولین محاکمه آن در ژانویه ۱۹۹۷ شروع شد (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۶۹). به اعتقاد برخی نویسندگان با توجه به وسعت و گستردگی جنایات ارتكابی در رواندا بر اساس میزان تعقیب و رسیدگی صورت پذیرفته در این دادگاه حدود ۱۱۳ سال طول می‌کشد که مژنونین جنایات رواندا که حداقل ۴۰ الی ۶۰ درصد مردان هوتو در آن دخالت داشته‌اند، محاکمه شوند (S.Ellis, ۲۰۰۲: ۲۲۲). دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا همانند دادگاه یوگسلاوی سابق مخلوق شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد و هر دو به موجب ماده ۲۹ منشور از ارکان سازمان ملل می‌باشند و در نتیجه همه ارگانهای سازمان ملل و دولت‌های عضو ملزم به همکاری به آن می‌باشند و هر دو دادگاه همانند دادگاه نورمبرگ در خصوص رسیدگی به جنایات علیه بشریت دارای صلاحیت مشترک می‌باشند ولی با توجه به اینکه جنایات ارتكابی در رواندا بر خلاف یوگسلاوی یک منازعه و جنگ داخلی بوده است، صلاحیت این دادگاه در خصوص رسیدگی به جرائمی است که به هنگام منازعات داخلی ارتكاب یافته بود و این موضوع خود به عنوان یک توسعه و تحول جدید در ایجاد یک نسل جدید از دادگاه کیفری بین‌الملل محسوب می‌گردد (واحدی، ۱۳۸۹: ۱۳).

۵- جنایات علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ICC

به دنبال تشکیل دادگاه‌های کیفری نورمبرگ (۱۹۴۵) و توکیو (۱۹۴۶) و یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) و رواندا (۱۹۹۴) این اندیشه که دادگاهی در سطح جهانی و به صورت دائمی جهت مجازات جنایتکاران جرائم بین‌المللی به جای محاکم موقتی تشکیل شود وجود داشت تا اینکه این موضوع در نهم دسامبر ۱۹۴۸ می‌باشد و کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۴۸ کار خود را در جهت تدوین این طرح شروع نمود و مجمع در سال ۱۹۹۶ کمیته ای جهت تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی تشکیل داد که این کمیته مقدماتی با تشکیل ۶ جلسه طی سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ موجب شد تا نهایتاً کنفرانس رم در کشور ایتالیا و در مقر سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد از ۱۵ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ تشکیل گردد و در نهایت اساسنامه دیوان با عنوان «اساسنامه رم راجع به دیوان کیفری بین‌المللی»^۲ با ۱۲۰ رأی موافق ۵ سال پس از پیشنهاد اولیه و با حضور ۳۳ سازمان بین‌الدولی و ۲۳۶ سازمان غیردولتی که در کنفرانس حضور داشتند به تصویب رسید.^۳

^۱ SC, Res. ۹۵۵, ۸ November ۱۹۹۴.

^۲ International Criminal court

^۳ کشور ایران در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ اساسنامه دیوان را امضا نمود ولی تاکنون این سند را به تصویب نرسانده است و ایالات متحد آمریکا نیز در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ اساسنامه را امضا و در ۶ می ۲۰۰۲ دولت بوش رسماً به سازمان

به موجب ماده ۱۲۶ این سند مقرر گردید که از اول جولای ۲۰۰۲ این امر محقق شود و این اساسنامه دارای ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده می باشد که قسمت عمده ای از آن به موضوع جنایات علیه بشریت پرداخته است به نحوی که در ماده ۵ این اساسنامه و در بیان صلاحیت این دیوان، جرائم علیه بشریت در کنار سه جرم نسل‌کشی، جرائم جنگی و جرم تجاوز مورد اشاره قرار گرفته است (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۱۸).

۱-۵- تعریف جنایات علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

به موجب بند ۱ ماده ۷ اساسنامه ی دیوان بین‌المللی کیفری منظور از جنایات علیه بشریت حمله‌ی گسترده و نظام مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی است که با علم به آن ارتکاب می یابد و در ادامه این تعریف در ۱۱ بند به شرح مصادیق آن پرداخته است شامل، قتل عمد، ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، تبعید یا انتقال اجباری جمعیت، حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می شود، شکنجه، تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر مشکل دیگر خشونت جنسی هم‌رنگ با این موارد، تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، ناپدید کردن اجباری اشخاص، جرم تبعیض نژادی، اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عملاً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی و روحی صورت پذیرد (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۷).

۶- تحلیل واژه حمله در جنایات علیه بشریت

در تعریف جنایات علیه بشریت از واژه حمله استفاده شده است و حمله در ظاهر دلالت بر شکل مثبت یورش یعنی فعل مجرمانه دارد، در حالی که شکل منفی آن نیز که شامل ترک فعل می باشد می تواند مشمول تعریف باشد چنانچه در پرونده کامبارا، متهم در کنار اتهامات وارده دیگر به دلیل خودداری از انجام وظایف خود به عنوان نخست وزیر رواندا در محافظت از کودکان و مردم رواندا در برابر قتل عام هایی که به وقوع پیوست، به ویژه پس از آن که انجام اقدامات فوق شخصاً از وی خواسته شده بود، به جنایت علیه بشریت محکوم شد (ورله، ۱۳۸۷: ۶۶). منظور از حمله در جنایات علیه بشریت، یک نوع خط مشی رفتاری است که ارتکاب اعمال خشونت آمیز را شامل می شود و همیشه این حمله یک حمله نظامی نیست^۱، بر طبق قسمت (الف) از بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان، حمله یک نوع خط مشی رفتاری مشتمل بر ارتکاب متعدد اعمال احصاء شده به عنوان جنایت علیه بشریت است، که در تعقیب سیاست یک دولت یا سازمان برای ارتکاب چنین تعرضی یا در جهت پیشبرد آن انجام می شود.

ملل متحد اعلام کرد که در ایالات متحده به معاهده ای که در زمان کلیتون امضا شده بود نبوده و قصد تصویب آن سند را نیز ندارد.

^۱ Prosecutor V. Kunarac et al, ICTY, Trial chamber of ۲۲ february ۲۰۰۱, p. ۴۱۹

۱-۶ تحلیل نظام یافته و گسترده بودن حمله

دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ در این خصوص بیان نموده است که «مسئلاً ارتکاب عمل واحدی از سوی مرتکب در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی باعث مسئولیت کیفری شخصی می‌شود و مرتکب لازم نیست جرائم متعددی را انجام داده باشد تا مسئول شناخته شود.» در تعریف مندرج در ماده ۷ اساسنامه از حرف یا (or) استفاده است، با این بیان که به حمله گسترده یا سازمان یافته اشاره شده است به نحوی که گستردگی حمله ناظر بر جنبه کمی و نظام مند بودن ناظر بر جنبه کیفری حمله می‌باشد و در این خصوص نظرات مختلفی میان نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس رم وجود داشت، چرا که برخی نمایندگان خواستار قرار گرفتن دو شرط در کنار یکدیگر و استفاده از حرف عطف و (and) گردیدند و در مقابل سایر دولتها به تأسی از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا^۱ که یکی از دو قید را کافی می‌دانست و همچنین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به وضعیت کنونی سند رأی دادند و نهایتاً کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش خود در این خصوص به نگرانی دولتهای دسته اول پاسخ می‌دهد و بیان می‌کند با توجه به اینکه حمله باید علیه یک جمعیت غیرنظامی هدف گیری شده باشد، مسلماً نوعی برنامه ریزی و طراحی قبلی نیاز دارد و جهت تأمین نظر گروه اول در بند (a) ۲ ماده ۷ بیان می‌کند «حمله علیه یک جمعیت غیرنظامی روندی است مشتمل بر ارتکاب متعدد اعمال مذکور در بند ۱ علیه هر جمعیت غیرنظامی، که به دنبال یا در راستای اشاعه سیاست یک دولت یا سازمان برای ارتکاب چنین حمله ای پی گرفته می‌شود.» و در رویه قضایی بین‌المللی نیز جنایات علیه بشریت باید دارای طراحی و سیاست گذاری قبلی باشد و شامل اعمال منفرد و مجزا نمی‌باشد (Bassioni, ۱۹۹۲: ۲۴۴).

۲-۶ غیرنظامی بودن قربانیان جنایات علیه بشریت

با توجه به تصریح ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حملات موضوع این سند در صورتی منجر به وقوع جنایت علیه بشریت می‌شود که علیه جمعیت غیرنظامی هدایت و اجرا شده باشد و تأکید بر این سند بر انجام حمله علیه «هر جمعیت غیرنظامی»^۲ نشانگر این نکته است که همه غیر نظامیان، حتی کسانی که ملیتی مشابه مرتکبان دارند، مورد حمایت قرار می‌گیرند. بر طبق ماده ۵۰ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ ژنو، جمعیت غیر نظامی شامل کلیه مردم غیر نظامی می‌شود و در تعریف غیر نظامی بیان شده است «غیر نظامی به هر فردی گفته می‌شود که عضو یک نیروی سازمان یافته که از قدرت استفاده می‌کند، نباشد» بر طبق ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، حضور افراد منزوی در بین جمعیت غیر نظامی، لطمه‌ای به ویژگی غیرنظامی بودن آن جمعیت وارد نمی‌کند و در پرونده تادیچ اعضای نیروهای مسلح و نیروهای مقاومتی که بواسطه بیماری، جراحت، دستگیری یا سایر دلایل ناتوان از جنگیدن بودند، غیر نظامی تلقی گردیدند.^۳ تابعیت قربانیان هیچ تأثیری در ارتکاب این جنایات ندارد و این جنایات ممکن است بر علیه مردم هر ملتی اعم از اینکه تبعه دولت حمله کننده باشد یا سایر ملل ارتکاب یابد و افراد غیرنظامی که مورد حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی نباشند بدون توجه به ملیت و تابعیت آن‌ها، می‌توانند قربانی جنایت علیه بشریت

^۱ International Criminal Tribunal for the Rwanda (ICTR)

^۲ Any civilian population

^۳ Prosecutor V. DuskoTadic, case No, IT, ۲ october ۱۹۹۵, p. ۶۳۶.

محسوب شوند به عبارت دیگر بر خلاف مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی، وضعیت قربانیان از این لحاظ که در کنترل کدام یک از طرفین مخاصمه باشد، تأثیری در وقوع جنایت علیه بشریت ندارند (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

۳-۶ ارتباط جرائم علیه بشریت و منازعه مسلحانه

به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نورمبرگ به عنوان اولین سندی که جنایات بشریت را به صورت تخصصی مورد توجه قرار داده است. پس از جنگ جهانی دوم یکی از مسائل مورد بحث و مناقشه، عدم امکان تعقیب نازی‌ها به دلیل جنایات ارتكابی در سرزمین آلمان و علیه یهودیان آلمانی بود و افکار عمومی به دنبال تعقیب و مجازات جنایات صورت پذیرفته توسط نازی‌ها علیه این دسته از یهودیان بود، لذا بند ج ماده ۶ این اساسنامه جنایات علیه بشریت را پذیرفت و نگرانی یاد شده، یعنی ضرورت ارتباط این جنایات با پدیده جنگ به این شکل حل شد که به موجب بخشی از بند ج ماده ۶ این اساسنامه جنایات علیه بشریت زمانی از سوی دادگاه نورمبرگ قابل تعقیب هستند و در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی توکیو به موجب بند ۳ ماده ۵ ارتباط جنایات علیه بشریت با دیگر جنایات که در صلاحیت آن دادگاه بوده است از عباراتی مشابه اساسنامه دادگاه تورمبرگ استفاده شد یعنی پدیده جنگ را برای تحقق جنایات علیه بشریت ضروری می‌داند (شپث، ۱۳۸۴: ۵۱). در رویه محاکم بین‌المللی برای اولین بار در شعبه استینافی در پرونده تادیچ به این صورت تصمیم گرفته شد که «طبق حقوق بین‌الملل عرفی لازمه احراز جنایات علیه بشریت وجود ارتباط این جنایات با منازعه مسلحانه نمی‌باشند.»^۱ این موضوع علی‌رغم تصریح ماده ۵ اساسنامه این دادگاه می‌باشد که به موجب آن دادگاه زمانی می‌تواند صلاحیت خود را در مورد جنایات علیه بشریت اعمال نماید که ارتکاب آن‌ها در خلال منازعه مسلحانه باشد. در رویه قضایی محاکم کشورها و قوانین داخلی برخی دولتها، ارتباط بین جرائم علیه بشریت و پدیده جنگ را ضروری ندانسته‌اند و امکان وقوع جنایات علیه بشریت در وضعیت غیر مخاصمه مسلحانه پیش‌بینی شده است از جمله پرونده آیشن در اسرائیل و پرونده باربی در فرانسه در این خصوص قابل توجه می‌باشد و در نهایت در متن اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا به صراحت به این موضوع اشاره شد همچنین در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ICC نیز در ماده ۷ تصریح گردیده که این جرائم و جنایات که در جریان منازعه مسلحانه یا مرتبط با آن وقوع یافته باشند یا خیر، موضوع صلاحیت دیوان می‌باشد، لذا امروزه دیوان کیفری بین‌المللی در وضعیت جنگ و غیر جنگ می‌تواند نسبت به جنایات وقوع یافته علیه بشریت اعمال صلاحیت نماید (میر محمد صادقی، ۱۳۸۸: ۷۷).

۷- عناصر مادی جنایات علیه بشریت

به موجب ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات علیه بشریت حمله گسترده و نظام مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی است که با علم به آن ارتکاب می‌یابد و به موجب مفاد این ماده این جنایات در ۱۱ بند ذکر شده است.

۱-۷ قتل و کشتار عمدی^۲

قتل عمدی و کشتار غیرنظامیان به معنای کشتن عمدی و بدون دلیل موجه می‌باشد و این مفهوم اعم است از اینکه متهم به صورت مستقیم باعث کشته شدن قربانی شود و یا اینکه با ایجاد شرایطی که باعث مرگ می‌گردد موجب مرگ قربانی خود شود و قتل در تمامی نظام‌های حقوقی کشورهای جهان سنگین‌ترین جرم محسوب می‌گردد و علی‌رغم

^۱Prosecutor V. Tadic.Cit. para ۱۴۱.

^۲ MARDER

اینکه در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول الحاقی به آن مورد اشاره قرار گرفته است، ولی تعریف دقیقی از آن به عمل نیامده بود و در قسمت الف بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان اولین عنصر مادی جنایت علیه بشریت مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۷- نابودسازی^۱

در شق ب بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان به موضوع جنایت نابودسازی اشاره می‌شود و این قسمت از جنایت علیه بشریت ناظر بر هر موردی می‌باشد که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم باعث مرگ جمعیت می‌شود مثل زندانی کردن گروهی از مردم به همراه محروم کردن آنها از ضروریات لازم جهت ادامه حیات و مراقبت‌های لازم پزشکی و به معنای دیگر جنایتی است که با تحمیل شرایط نامساعد نسبت به حیات افراد موجبات انهدام و از بین رفتن بخشی از جمعیت را فراهم می‌سازد (ورله، ۱۳۸۷: ۷۵).

۳-۷ به بردگی گرفتن^۲

بر طبق قسمت ج بند ۱ ماده ۷ اساسنامه به بردگی گرفتن به عنوان یک جنایت علیه بشریت در نظر گرفته است که شامل قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان و خرید و فروش، قرض یا معاوضه یک یا چند نفر و صور مختلف محرومیت اشخاص از آزادی است. در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، شعبه بدوی این دیوان عناصر جرم به بردگی گرفتن را اینگونه بیان می‌کند: «بر اساس این تعریف آنچه که نشانگر به بردگی گرفتن است عنصر اعمال کنترل و مالکیت، تحدید یا کنترل خود مختاری، آزادی انتخاب یا آزادی حرکت شخص می‌باشد که غالباً منتج به منافع مالی برای مرتکب می‌شود و در این روند رضایت یا اراده آزاد شخص وجود ندارد.» این عنصر غالباً به دلیل وجود عواملی ناممکن یا نامربوط می‌شود که از جمله این عوامل تهدید به روز یا استفاده از آن یا سایر اشکال اجبار، ترس از اعمال خشونت، اعمال حیل و فریب یا دادن قولهای دروغ، سوءاستفاده از قدرت، موقعیت آسیب پذیر قربانی، اسیر بودن وی، فشارهای روانی یا شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص او هستند، سایر نشانه‌های به بردگی گرفتن مشتمل بر سوءاستفاده، کار اجباری (معمولاً بدون مایه از او غالباً هر چند نه همیشه، مشتمل بر مشقت جسمانی، سکس، فحشا و قاچاق انسان هستند ... صرف بازداشت کردن کسی بدون انجام هیچ کاری معمولاً، با توجه به شرایط و اوضاع و اصول خاص هر مورد، برده ساختن محسوب نمی‌شود...»^۳

۴-۷ تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت^۴

بر طبق قسمت د بند ۱ ماده ۷ اساسنامه به معنای جابه‌جا کردن اجباری اشخاص موردنظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهر آمیز از منطقه‌ای که قانوناً در آنجا حضور دارند، بدون اینکه به موجب حقوق بین‌الملل مجاز باشد (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۸). این عمل مجرمانه در کنوانسیون‌های ژنو و لاهه در مورد جنگ مورد اشاره قرار گرفته است. (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷: ۵۲). دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در بیان تفاوت بین اخراج و انتقال اجباری جمعیت بیان می‌کند: «اخراج و انتقال اجباری هر دو به معنی تخلیه غیر ارادی و غیر قانونی افراد از

^۱ Fortermination

^۲ Enslavement

^۳ ICTY. Kunarac and others, aras ۲۴۲-۲۴۳.

^۴ Deportation or forcible transfer of population

ناحیه ای است که در آن ساکن می باشند. با این حال این دو واژه در حقوق بین‌المللی عرفی مترادف نیستند. اخراج به معنی انتقال دادن به فراسوی مرزهای یک کشور، در حالی که انتقال اجباری به معنی جابه جا کردن در داخل یک کشور است.^۱

۵-۷ محبوس کردن یا محروم کردن شدید دیگری از آزادی فیزیکی^۲

اولین بار در دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق محبوس کردن اشخاص به عنوان یک جرم بین‌المللی مورد شناسایی قرار می گیرد. به نحوی که دیوان در پرونده کوردیچ در تعریف این جرم بیان می کند که محبوس کردن بی دلیل یعنی بدون طی شدن روضه قانونی مناسب و به عنوان بخشی از یک حمله گسترده با سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی اقدام به حبس نمودن افراد.^۳ در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قسمت هـ بند ۱ ماده ۷ به این جرم پرداخته شده و در سند(عناصر تشکیل دهنده جرائم) نیز ارتکاب این جرم را به مرتکبی قابل استناد می داند که یک یا چند نفر را محبوس ساخته و یا به شکل دیگری از آزادی جسمانی محروم کرده است و این عمل ضمن اینکه آنچنان شدید بوده که منجر به نقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل شده بلکه به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه جمعیت غیرنظامی ارتکاب در نظر گرفته شده است(شریعت مداری، ۱۳۸۵: ۹).

۶-۷ شکنجه^۴

قسمت و بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به موضوع شکنجه در اسناد مختلف بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است از جمله در کنفرانسیون از دهه ، کنفرانسیون‌های ژنو ، میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنفرانسیون اروپایی حقوق بشر و کنفرانسیون آمریکایی حقوق بشر و فصلنامه های متعدد سازمان ملل متحد ولی مهمترین سندی که به توصیف آن پرداخته کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد سال ۱۹۸۴ می باشد که در ماده ۱ آن بیان شده است: ((از لحاظ این کنفرانسیون واژه شکنجه به معنی هر عملی است که به وسیله آن درد یا رنج شدید. اعم از جسمی یا روانی. عمدتاً به کسی وارد می شود به منظور نیل به اهدافی چون کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا شخص ثالث، یا مجازات کردن او به خاطر عملی که وی یا شخص ناشی مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، یا برای ایجاب یا مجبور ساختن دو یا شخص ثالث(به انجام کاری) و یا بنا به هر دلیلی مبتنی بر تشخیص از هر نوع آن به شرط آنکه چنین دردی یا رنجی بنا به اینکار یا رضایت یک مأمور دولتی یا شخص دیگری که در صلاحیت دولتی انجام می کند وارد گردد.))

۸-۷ خشونت جنسی^۵

بر طبق قسمت و از بند ۲ ماده ۷ اساسنامه این جرم شامل تجاوز جنس بردگی جنسی، فحشای اجباری، عقیم کردن اجباری و سایر خشونت‌های مشابه می باشد. در سند(عناصر تشکیل دهنده جرائم) سایر این عناوین نیز تعریف شده است: اگر شخصی به دلایلی مثل صغیر بودن قادر بر اعلام رضایت در شرایط متعادل نباشد این عمل در حکم عمل اجباری در نظر گرفته می شود. فحشای اجباری به معنی وادار کردن فردی به قصد انتفاع مالی به انجام اعمال جنسی

^۱ ICTY, kritic, para ۵۲۱ .

^۳ Imprisonment or other severe deprivation of physical liberty in violation of fundamental rules of international law.

^۱ IcTy, Kordic and cerkeg, Paras ۳۰۲-۳۰۳

^۲ Torture

^۳ Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or punishment .

^۴ Sexual violence

می باشد و عقیم سازی اجباری یعنی سلب کردن اجباری یک فرد از امکان توالد و تناسل بیولوژیک، به نحوی که رضایت ناشی از خدعه - فریب افراد نیز شامل آن می گردد.

۹-۷ تعقیب و آزار^۱

بر طبق شق ز از بند ص ماده ۷ اساسنامه دیوان یکی دیگر از جرائم مورد تعقیب این سند شامل تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی به معنای مذکور در بند ۳ این ماده یا بر اساس سایر معیارهایی که بالاتفاق در حقوق بین‌الملل غیر مجاز شناخته شده است در ارتباط با هر عملی که در این بند به آن اشاره شده و یا هر جرمی که در رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان است. شعبه بدوی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق در پرونده کوپرسکیچ و دیگران^۲ متهمان این پرونده را به اتهام ارتکاب این جرم محکوم می نماید و شعبه مذکور در رأی خود بیان می کند که کشتن عمدی و سازمان یافته غیر تعاملی میان مسلمان و بازداشت و اخراج سازمان یافته آنها از دهکده محل سکونتشان جزء مصادیق جنایات علیه بشریت، که طبق ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان است، می باشد و در نتیجه مرتکبان می بایستی به ارتکاب جرم اذیت و آزار محکوم گردند و دیوان به موجب رأی خود تخریب گسترده خانه های مسلمانان را نقض جدی حقوق اساسی آنها دانسته در این عمل را در شمار مصادیق اذیت و آزار محسوب می نماید (کیتی شیانوری، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

۱۰-۷ ناپدید کردن اجباری اشخاص^۳

به موجب قسمت ط از بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ناپدید کردن اجباری اشخاص می باشد یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی یا با اجازه و حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات او سرنوشت یا محل وجود آنها، با قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی می باشد. قبل از تصویب این بند در اساسنامه دیوان در اسناد دیگری نیز به موضوع ناپدید کردن اجباری اشخاص توجه گردیده بود. از جمله در کنوانسیون بین آمریکایی در مورد ناپدید شدن اجباری اشخاص^۴ و همچنین اعلامیه راجع به حمایت از همه اشخاص در قبال ناپدید شدگی اجباری^۵. به موجب سند (عناصر تشکیل دهنده جرایم) نیز عدم تأیید بازداشت فرد یا عدم ارائه اطلاعات لازم در مورد ایشان، باید از سوی دولت با یک سازمان سیاسی یا سازمان دارای مجوز یا مورد حمایت آنها باشد.

۱۱-۷ تبعیض نژادی^۶ (آپارتاید)

^۱ Persecution

^۲ Kupreskic and others

^۳ Enforced disappearance of person.

^۴ Inter-American convention of the forced disappearance of persons

^۵ Declaration on the protection of All Persons from Enforced Disappearances.

^۶ Apartheid

به موجب ماده ی یک کنوانسیون بین‌الملل ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ (مبارزه با جنایت تبعیض نژادی و مجازات آن) به تفصیل به تعریف این جرم و عناصر آن پرداخته است و کنفوانسیون آپارتاید که در ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شده است، آپارتاید را یک جنایت علیه بشریت دانسته است و عناصر مادی آن را در شش بند بیان نموده با این توضیح که اعمال زیر اگر با قصد و نیت تبعیض آمیز ارتکاب یابد آپارتاید محسوب می شود.

۱۲-۱۷ اعمال غیرانسانی مشابه^۱

به موجب قسمت ی از بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به عنوان آخرین بند از عناصر جنایت علیه بشریت مورد شناسایی قرار می گیرد و هدف از پیش بینی این بند فراهم کردن موجبات جلوگیری از فرار مجرمین چنین جرائمی است که فعل ارتكابی آنها تحت هیچ یک از عناوین مندرج در این ماده در نظر گرفته نشده است که در این خصوص می توان به معیارهای حقوقی بشری موجود از جمله در اعلامیه حیاتی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و اقتصادی، مراجعه کرد. به عنوان مثال دیوان کیفری بین‌المللی بر رواندا^۲ در رأی صادره لخت کردن اجباری زنان توسطی را به عنوان یکی از مصادیق (سایر اعمال غیر انسانی) در نظر می گیرد.

نتیجه گیری

جنايات علیه بشریت با توجه به تعریف صورت پذیرفته در اساسنامه رم دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی متفاوتی از سایر جنایات بین‌المللی است و از جمله دارای مفهومی گسترده تر از واژه ژنوسید (نسل کشی) می باشد به نحوی که بر خلاف جنایت نسل کشی هدف مرتکب آن لزوماً از بین بردن گروه‌های ملی، قومی، نژادی و مذهبی نمی باشد، بلکه مجنی علیه آن جمعیت غیرنظامی از کلیه گروه‌های موجود در یک سرزمین بوده که هدف مرتکب ورود آسیب به ایشان می باشد و دیوان کیفری بین‌المللی با تعریف دقیق عناصر مادی این جنایت، موجبات پیشگیری و همچنین برخورد جدی با مرتکبین آن را در سطح بین‌المللی فراهم نموده است به نحوی که با شناسایی صلاحیت تکمیلی در قابلیت پذیرش بودن این دعاوی در مرحله‌ای پس از محاکم داخلی کشورها و تقدم بخشیدن به رسیدگی‌های محاکم داخلی کشورها باعث گردیده که مقامات قانون گذار کلیه کشورها در مسیر تدوین و توسعه این مفهوم گام برداشته و اقدام به جرم انگاری عناصر مادی این جنایت در نظام‌های کیفری داخلی کشور خود بنمایند.

کتابنامه

فارسی

- ۱) آرکادی، پولتورک (۱۳۷۷)، «بتهای شکسته»، ترجمه شاهپور رزم آزما، چاپ نخست، تهران انتشارات سپنج، ص ۲۰.
- ۲) آ. شبت، میلیام (۱۳۸۴)، «مقدمه ای بر دیوان کیفری بین‌المللی»، ترجمه سید باقر میرعباسی، حمید الهوتی نظری، چاپ نخست تهران، انتشارات جنگل ص ۵۱.
- ۳) بوستان چی، مهرداد، مقاله (۱۳۷۷)، «جنایات علیه بشرت در حقوق بین‌الملل کیفری»، (WWW.MAGHALLAT.LOGfa.com)
- ۴) شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۸۶)، «اسناد دیوان کیفری بین‌المللی»، چاپ اول، ۱۳۸۶، انتشارات جنگل، جاودانه، صص ۷-۸-۹.
- ۵) کیتی شیانوری، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، «حقوق بین‌الملل کیفری»، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، ص ۲۲۰.

^۱. Other inhumane acts of a similar character.

^۲. ICTR. A Kayesu, September ۱۹۹۸

- ۶) طهماسبی، جواد (۱۳۹۱)، «صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل»، چاپ دوم، انتشارات جنگل. صص ۵۳-۵۸-۶۹ - ۲۵۱-۲۵۹.
- ۷) علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۴)، «حقوق جنایی»، بانک ملی ایران، جلد دوم ص ۹۵.
- ۸) کریفتس، مارتین (۱۳۹۰)، «جنایات علیه بشریت» مترجم علیرضا طیب، مجله دانشنامه و روابط بین‌الملل و سیاست جهان، چاپ دوم، ص ۲۳.
- ۹) گرین وود، کریستوفر (۱۳۸۴)، «دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق»، ترجمه دکتر مهرداد سیدی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۹-۱۸، ص ۳۶۲.
- ۱۰) یرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷)، «نسل کشی و خشونت جنسی در رواندا، مجموعه مقالات حقوق جزای بین‌الملل»، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان. صص ۳۶-۵۶-۶۴-۱۸۷.
- ۱۱) یرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۸)، «دادگاه کیفری بین‌المللی»، انتشارات دادگستر. صص ۲۹-۳۴-۵۲.
- ۱۲) ورله، گرهارد (۱۳۸۷)، «جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر» ترجمه امید ساعد وکیل، مجله حقوقی بین‌المللی، صص ۳۹-۶۶-۷۵.
- ۱۳) واحدی، قدرت الله (۱۳۸۹)، «حقوق بین‌المللی کیفری»، چاپ اول، انتشارات جنگل، جاودانه. صص ۸-۹-۱۳.

انگلیسی

- ۱۴) Bassioni, m. Cherif (۲۰۰۱), "Crimes Against Humanity in International criminal law" London: Cavendish Publishing, p. ۲۴۴.
- ۱۵) Orie, Alphons (۲۰۰۲) "Accusatorial V. Inquisitorial Approach In International Criminal proceedings prior to the Establishment of the ICC and in the proceeding Before the ICC, In the cassese, Antonio", Oxford University Press, First Punbihd, p. ۱۴۵۷.
- ۱۶) Werle, Gerhard (۲۰۰۵) "principles to International Criminal law", Netherland T.M.C Asser press, p. ۲۲۵.
- ۱۷) S. Ellis, Mark (۲۰۰۲) "The International Criminal court And Its Implication for pomestic law and National capacity Bulding" florida Journal of International law, vol. ۱۵, □ ۲۲۲.

اسناد

- ۱۸) Prosecutor V. Kunarac, et al., ICTY, Trial chomber of ۲۲ february ۲۰۰۱, p. ۴۱۹.
- ۱۹) Prosecutor V. Dusko Tadic. case No, IT-۹۴-۱-T, ۲ october ۱۹۹۵. P. ۱۴۱.
- ۲۰) Prosecutor V. Dusko Tadic, case No, IT-۹۴-۱-T, ۲ october ۱۹۹۵, p. ۶۳۶.
- ۲۱) Prosecutor ICTY. Kunarac and others, aras ۲۴۲-۲۴۳.
- ۲۲) Prosecutor ICTY, Kordic and cerkeg, Paras ۳۰۲-۳۰۳.
- ۲۳) Prosecutor V. kristic, ICTY, Appal Chamber, IT-۹۸-۳۳-A, ۱۹ Appril ۲۰۰۲, p. ۵۰۳.
- ۲۴) Prosecutor V. kristic, ICTY, Appal Chamber, IT-۹۸-۳۳-A, ۱۹ Appril ۲۰۰۲, p. ۵۲۱.
- ۲۵) Security Council, Resolusion. ۸۲۷, ۲۵ May ۱۹۹۳.
- ۲۶) Security Council, Resolusion. ۸۸۸, ۲۲ february ۱۹۹۳.
- ۲۷) Security Council, Resolusion. ۹۵۵, ۸ Novamber ۱۹۹۴.